

خلاصه مبحث استاد سبحانی نیا

یک واقعه روایت ها و برداشت های متعدد

عرض سلام خدمت شما سروران عزیز اساتید گرانقدر و دانشجویان عزیز دانشگاه فرهنگیان و مسئولین عزیز دانشگاه فرهنگیان استان قزوین که زمینه این در واقع جلسه رو فراهم کردند آرزوی توفیق و سلامتی برای همه شما رو از خدای متعال دارم

سه دیدگاه در باره قیام امام حسین (ع) وجود دارد:

- ۱- حضرت به دنبال ایجاد حکومت و در دست گرفتن حکومت اسلامی.
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر و خروج در برابر بدعت های دینی
- ۳- ماموریت الهی بود و حضرت برای انجام این ماموریت قیام کرد و سرانجام تا انتهای قیام و اون ماموریت را به بهترین وجه ممکن انجام داد

به یک بیان می توان گفت که هیچ کدام از این سه برداشت یا سه دیدگاه با یکدیگر منافات هم نداره با این حال نیاز هست این مورد یا این موضوع مورد کنکاش و دقت قرار بگیرد و تحقیق بشود تا اینکه مشخص شود کدام یک از این امور قصد آن حضرت بوده و یا اگر هر سه مورد بوده اولویت با کدام است. در اینجا دو مطلب مطرح میشود و نیاز است یک مقدمه بیان گردد،

بنا بر این حکومت به عنوان یک ابزار و وسیله برای نیل به اهداف متعالی که اقامه احکام دین و هدایت بشر میباشد.

تشکیل حکومت یک ماموریت الهی است

وقتی امام می خواست از مکه خارج شود، وصیت نامه ای نوشت و آن را به برادر خود محمد بن حنفیه داد. حضرت در این وصیت نامه می فرماید:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحٍ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أَلَا رِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي؛ مَنْ لِي جَاهٌ طَلَبِي وَكَامٌ جَوْبِي وَآشُوبُكْرِي وَسَتْمُكْرِي قِيَامَ نَكْرَدَمٍ، بَلَكَّةَ لِي جَاهٌ لِي إِصْلَاحِ دَرِ كَارِ امْتِ جَدَمَ قِيَامَ كَرْدَمِ مِي خَوَاهَمِ امِرَ بِي مَعْرُوفِ وَنَهْيِ از مُنْكَرِ وَبِه شِيوَه جَدِ وَپَدَرَمِ حَرَكْتِ كَنَمِ.»

دو نکته برگرفته از قیام امام حسین (ع)

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

در باره ارزش و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر پیامبر فرمود خداوند مبعوض می‌دارد آن مومن ضعیف العقیده را که دین ندارد «فَقِيلَ وَ مَا الْمَوْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ [2]» عرض کردند مومن ضعیف لا دین چه کسی است پیامبر فرمودند کسی که نهی از منکر نکند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عُدْوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مَنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيءٌ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أَجَرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ»

ای مؤمنان! هر کسی تجاوزی را بنگرد، و شاهد دعوت به منکری باشد، و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است، و هر کسی با زبان آن را انکار کند پاداش آن داده خواهد شد، و از اولی برتر است، و آن کسی که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او را رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده.

امام حسین (علیه السلام) در این فراز، هدف حرکت خود به ویژه خروج از مکه را بیان می‌فرماید و به نوعی به سؤالات مطرح شده، پاسخ می‌دهد و خود را پیرو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) معرفی و اعلام می‌کند که همه ما یک هدف و مسیر را دنبال می‌کنیم. بر اساس این روایت ها هیچ چیزی در جامعه مهمتر از امر به معروف و نهی از منکر نیست

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

ادله قرآن

۱- بررسی آیات مربوط به احکام و ابعاد حکومت نشان می‌دهد که برپایی حکومت در جامعه اسلامی، امری است که نیازی به اثبات ندارد و هیچ تردیدی هم در آن وجود ندارد؛ زیرا اجرای احکام، متوقف بر وجود حکومت است و یا بیان گر تکالیف مردم.

به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

و جوب اطاعت از ولی امر، و جوب اجرای حدود، و جوب تهیه و تدارک قوای نظامی برای جنگ با دشمنان خدا و همچنین احکام مربوط به قضاوت. این نمونه ها، نشان گر این است که برپایی حکومت اسلامی در جامعه جزء ضروریات عقلی است و با توجه به این که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تاکید شرایع الهی است و بی نظمی امور مسلمانان نزد خدا و خالق امری قبیح است و روشن است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی پذیرد، لذا هیچ شک و شبهه ای در وجوب اقامه حکومت باقی نمی ماند.

آیاتی که به این موارد اشاره دارد، چنین است:

«ان الله يامرکم ان تؤدوا الاماناتِ الی اهلها و اذا حکمتُم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعمًا یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً؛

خدا به شما امر می کند که البته امامت را بر صاحبان آن ها باز دهید و چون میان مردم حکومت کنید به عدالت داوری کنید همانا خدا شما را پند نیکو می دهد خدا به هر چیز آگاه و بصیر است.»
«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلاً؛

ای اهل ایمان خدا و رسول و اولی الامر را اطاعت کنید و چون در امری کارتان به گفت و گو و نزاع کشید به حکم خدا و رسول باز گردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار (رجوع به حکم خدا و رسول) برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.»
البته استدلال به آیات ذکر شده، مبتنی بر اعتقاد دسته ای از مفسران است که خطاب «یا امرکم» را متوجه اولیای امور (گردانندگان حکومت) می دانند.

و آیه دوم به مسئله اختلاف بین مردم و مسئولان حکومت در پاره ای مسائل و قضایا و گاه برخورد و درگیری بین آنان اشاره می کند.

«الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلوٰة و آتوا الزکوٰة و آمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور؛

آنان که اگر در زمین، قدرت و فرمان روایی شان دهیم، نماز را بپا داشته و زکات می دهند، به معروف امر می کنند و از منکر باز می دارند و فرجام امور به دست خداوند است.

تمکّن در زمین به معنای فراهم آمدن امکاناتی است که آنان را در گسترش اسلام و اقامه احکام آن یاری

می‌دهد، اما آن چه در آیه به عنوان برپاداشتن نماز، دادن زکات، امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده تنها در حکم نمونه‌هایی از ابعاد مختلف نظام اسلامی است و این‌ها جز از طریق حکومت قابل اجرا نیست.

به هر صورت، تمکین، در آیه به معنای برپایی حکومت است و این معنا نشان می‌دهد که برپایی حکومت امری مشروع است زیرا خداوند آن را مایه تمکین مسلمین قرار داده تا حق و عدالت را برپا دارد.

۱- اجرای احکام اسلامی

در بسیاری از آیاتی که ضرورت تشکیل حکومت را بیان می‌کند فهمیده می‌شود که به خاطر اجرای احکام اسلامی است.

در اسلام احکامی وجود دارد که اجرای آن از طریق حکومت ممکن است، مثل احکام مالی، نظامی، قضایی و... پس بنا به حکم عقل، تشکیل حکومت، جهت تحقق همه جانبه اسلام امری ضروری است.

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این مورد می‌فرماید: «احکام الهیه، چه احکام مالی و چه احکام سیاسی یا حقوقی، نه تنها نسخ شده است، بلکه تا قیامت باقی است و بقای این احکام، لزوم و ضرورت حکومت را ایجاب می‌کند تا این که برتری قانون الهی را تضمین کرده و اجرای آن را به عهده گیرد و اجرای احکام الهی جز به وسیله حکومت امکان ندارد، برای این که موجب هرج و مرج می‌شود... علاوه بر این که حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم دشمنان و حفظ سرزمینشان از تسلط سرکشان، عقلاً و شرعاً واجب است. انجام این وظیفه جز با تشکیل حکومت، امکان ندارد، تمام این‌ها از واضحات است که مسلمین به آن‌ها احتیاج دارند و از آفرینده حکیم، معقول نیست آن‌ها را ترک کنند... لزوم حکومت برای گسترش عدالت، تعلیم و تربیت افراد، حفظ نظم، از بین بردن ستم، حفظ مرزها و جلوگیری از تجاوز اجانب، از روشن‌ترین احکام عقل است و این مسئله مختص به زمان و مکان مشخصی نیست.»

هم‌چنین امام خمینی (رحمه الله علیه) فرمودند:

«هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلامی شده و جامعیت و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.»

پس به حکم عقل در صورت برپا نکردن حکومت اسلامی، بخش‌های سیاسی، قضایی و فقه اسلامی را معطل گذاشته‌ایم، حرمت معطل گذاشتن احکام اسلامی نیز از بدیهات است،

چرا که این کار به تعطیل حدود الهی منجر می‌شود.
علامه حلی (رحمه‌الله‌علیه) درباره تعطیل حدود الهی می‌نویسد:
«تعطیل حدود، به ارتکاب محارم و انتشار مفاسدی می‌انجامد که از نظر شارع اسلام، ترک آن‌ها خواسته شده است.»

نتیجه این که اگر مسلمانان به تشکیل جامعه اسلامی اقدام نکنند، ناگزیر باید برابر حکم فرمان کافر سر تسلیم فرود آورند و بدیهی است که حرمت تسلیم در برابر کافر از نظر شرعی نیاز به اثبات ندارد، زمانی که تسلیم در برابر حکم کافر بر ما حرام است ناچار باید حکم اسلام را پذیرفته و این میسر نمی‌شود مگر از طریق تشکیل حکومت اسلامی.

از آن‌چه گذشت روشن می‌شود که برپایی حکومت در جامعه اسلامی، از امور لازم و وجوب آن قطعی است. مسئله از امور واضح و روشن است و نیاز به دلیل ندارد.